

بررسی نظریه مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری

در رابطه با آثار حقوقی ساخت دیوار حائل در سرزمینهای فلسطین اشغالی

استاد دکتر محمد رضا ضیایی بیکدلی

عضو هیات علمی دانشکده حقوق دانشگاه علامه طباطبائی



مقدمه

در ابتدا باید به این نکته توجه شود که بحث فلسطین، سالهاست که در سازمان ملل متحد در اذهان مطرح است و قطعنامه‌های متعددی، چه در مجمع عمومی و چه در شورای امنیت در این مورد صادر شده است. برای اولین بار است که پس از سال ۱۹۴۷، در سال ۲۰۰۴ شاهد آن هستیم که دیوان بین‌المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی اصلی سازمان ملل متحد وارد این بحث شده است. این امر سرآغاز بسیار میمون و مبارکی است چرا که مجمع عمومی و شورای امنیت و حتی ارکان دیگری که به نحوی درگیر مسئله بوده‌اند مثل شورای قیمومت، عمدتاً ماهیت سیاسی دارند و اصل بر این است که دیوان است که ماهیت حقوقی دارد و موضع‌گیری دیوان از منظر حقوقی و به خصوص حقوق بین‌المللی به مسئله فلسطین کاملاً متفاوت از نظر ارکان دیگر یعنی ارکان سیاسی است.

البته اعلام موضع دیوان در راستای اعمال صلاحیت مشورتی است و نه صلاحیت ترافعی. چرا که بحث صلاحیت ترافعی، نیاز به مقدماتی دارد که آن مقدمات قطعاً و یقیناً حداقل تا به

امروز فراهم نیست. و به رغم آن که این نظریه یک نظریه مشورتی است ولی تا حدود زیاد یکی از محدود نظریاتی است که انعکاس علمی گسترده‌ای در سطح جهان داشته است.

متأسفانه، آنچنان که باید و شاید به این نظریه چه در مجامع سیاسی ما، چه در مجامع علمی ما و چه در مجامع حقوقی ما، داده نشد و حتی زمانی که در ۹ ژوئیه ۲۰۰۴ این رأی صادر شد، رسانه‌های ما بسیار گذرا از کنار آن رد شدند. این مسئله خیلی عجیب بود. ما این قدر دم از دفاع از ملت فلسطین می‌زنیم، اما رأیی که مختصراً مورد تحلیل قرار خواهد گرفت، کاملاً در راستای دفاع از ملت فلسطین است ولی ما بهایی به آن، آن چنان که باید و شاید نمی‌دهیم. و تأسف بیشتر من زمانی که شد که وقتی من از دسامبر ۲۰۰۳ که این درخواست از سوی مجمع عمومی جهت صدور رأی مشورتی از دیوان به عمل آمد، موضوع را دنبال می‌کردم، نزدیک به ۵۰ کشور - که تا کنون سابقه نداشته است - لوابیح خود را در مورد مسئله فلسطین به طور کلی و نه فقط در مورد مسئله دیوار به دیوان اعلام کردند.

اصولاً طبق آئین دادرسی دیوان حتی اگر

بحث، نظر مشورتی باشد، مراتب از طریق دبیر کل به کلیه کشورهای عضو ملل متحد اعلام می‌شود و اگر آنها دیدگاه و نظری دارند، ابراز می‌نمایند. بدون اینکه این مسئله خدشه‌ای به نظر مشورتی دیوان وارد کند، یعنی ماهیت اختلاف و موضوع دعوی را از حالت مشورتی خارج نمی‌کند و آن را به توافقی تبدیل نمی‌کند و جالب اینکه کشورهای مختلف به صورت بسیار فعال در طول این دادرسی چندین ماهه از جمله خود اسرائیل و حکومت خودگردان - و این برای اولین بار است که یک تشکیلات غیر از دولت یعنی یک تشکیلات خاص به نام حکومت خودگردان یا جبهه آزادی بخش فلسطین - در دادرسی مشارکت می‌کنند. دیوان از حکومت خودگردان می‌خواهد که نقطه نظرات خودش را به دیوان اعلام کند، در جلسه استماع نماینده حکومت خودگردان حاضر می‌شود و نقطه نظرات خود را بیان می‌نماید. غیر از این دو - اسرائیل و حکومت خودگردان - که محور بحث بودند، حدود ۵۰ کشور لوابیح خود را که بعضاً به اندازه یک پرونده ۱۰۰ برگ و ۲۰۰ برگ و حتی ۵۰۰ برگی همراه با گزارشهای مختلف بود، به دیوان تقدیم کردند و در کنار آنها دبیر کل

سازمان ملل و دیگر نهادهای فرعی وابسته به ملل متحد، NGOهای متعدد، با اسناد، مدارک، عکس، فیلم، اسلاید و ... نظر خود را به دیوان ارائه کردند که دیوان بتواند بر اساس اطلاعات کامل موضع گیری نماید.

اما جای تأسف اینجاست که دولت جمهوری اسلامی ایران به رغم اینکه اعلام شده بود اگر وضعی دارید اعلام کنید، هیچ موضع گیری ننمود. هیچ گونه دفاعی از سوی ایران صورت نگرفت. هر چند دعوی به معنی اختلاف نبوده است ولی به هر حال کشورهای مختلف به خصوص کشورهای اسلامی مواضع بسیار جالبی گرفتند.

وقتی که من این ایراد را به یکی از مقامات بلند پایه وزارت امور خارجه اعلام کردم که چرا ایران هیچ لایحه ای نداد و کاملاً به صورت انفعالی برخورد کرد، در پاسخ به من گفت: زیرا دیوان مقطع زمانی اشغال را سال ۱۹۶۷ گرفته است و ما اعتقاد داریم فلسطین اساساً غصب شده است و اشغال از ۱۹۴۸ شروع شده است. من هم در جواب به او گفتم هر چند شاید نظر شما به عقیده بسیاری، تحسین برانگیز هم باشد که جمهوری اسلامی ایران، دخالت نکرد تا تأییدی بر این نکند که اشغال بعد از ۱۹۶۷ بوده است، اما در زمانی که دیوان درخواست اعلام نظر کشورهای عضو را کرد، دیوان هنوز دادرسی را آغاز نکرده بود و هنوز کسی نمی دانسته که دیوان چه تصمیمی می خواهد بگیرد.

با جوی که علیه ملت فلسطین و متأسفانه به نفع اسرائیل در عرصه بین المللی وجود داشت، همواره نظرها به این سمت و سو بود که دیوان هم به نفع اسرائیل نظر خواهد داد. بحث این است که از نظر حقوقی قبل از جلسه دادرسی، نقطه نظرات کشورهای مطالبه می شود و بعد جلسه استماع تشکیل می شود یعنی لوایح کتبی قبل از اظهارات شفاهی استماع می شود. جمهوری اسلامی ایران از کجا می دانسته که دیوان مبدأ اشغال را سال ۱۹۶۷ می گذارد. آن فرد در پاسخ گفت: نه بطور کلی مشخص بود که دیوان می خواهد این کار را بکند و من از این نظر ابراز تأسف کردم.

تقاضای رأی مشورتی

در ارتباط با این رأی که مورد بی مهری بسیاری در جامعه ایران قرار گرفت، مجمع عمومی براساس ماده ۹۶ منشور ملل متحد، سؤال حقوقی را مطرح کرد و از دیوان خواست که به این سؤال پاسخ گوید. یعنی دیوان در قالب نظر مشورتی جواب دهد. متن سؤال در قطعنامه ۸ دسامبر ۲۰۰۳ مجمع عمومی فوق العاده مطرح شد. سؤال این بود که: آثار حقوقی ناشی از ساخت دیوار در سرزمین فلسطین اشغالی توسط دولت اسرائیل چگونه است؟

سؤال نسبتاً کوتاهی بود. منظور از آثار

حقوقی، حقوق بین المللی می باشد، بلافاصله که مجمع این سؤال را با اکثریت به تصویب می رساند - تصویب آن به صورت اجماع عام میسر نمی شود زیرا با مخالفت برخی کشورها روبه رو شد - با عکس العمل هایی مواجه گردید. بلافاصله سخنگوی دولت اسرائیل اعلام می کند «جامعه بین المللی نباید کاری کند که داور در مورد دیوار حائل به ابزاری برای حمله به اسرائیل تبدیل شود.» یا آقای بنیامین نتانیاهو که وزیر اقتصاد کنونی است و نخست وزیر سابق اسرائیل می گوید «اسرائیل هرگز زندگی یهودیان را در مسلخ بی ارزش دیوان بین المللی دادگستری فدا نخواهد کرد.» و با این سخن توهین آشکاری هم به یک نهاد بین المللی وارد می کند.

بررسی نظر مشورتی دیوان

این نظریه، یکی از مهم ترین و جالب ترین نظریه هایی است که دیوان تا کنون ارائه داده است. اهمیت خاص آن از حیث مسأله فلسطین و اسرائیل است. بحث دیوار حائل نیست، دیوان فراتر از بحث دیوار حائل، رفته است؛ یعنی تمام مسأله فلسطین و مسأله اسرائیل از ابتدا و قطعنامه طرح تقسیم تا به امروز را مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

در تحلیلی که از این قسمت می توانیم به عمل آوریم بایستی به چند نکته توجه شود.

۱- دیوان در این پرونده روش حل یک اختلاف دو جانبه را به حقوق دانسان درس می دهد. دیوان چه در نظریات مشورتی و چه در نظریات ترافعی، ضمن اینکه یک مشکل حقوقی را حل می کند و به عنوان یک روش حل مسالمت آمیز اختلافات، به اختلاف موجود می پردازد، به ما درس می دهد که یک اختلاف دو جانبه هم علیرغم اینکه بین دو کشور مطرح شده است ممکن است به یک مسأله جهانی تبدیل شود.

دومین درس اینکه یک مسأله جهانی به سازمان ملل متحد و به ویژه به مجمع عمومی مرتبط است. هر مسأله ای که به عنوان مسأله جهانی طرح گردد به سازمان ملل مربوط است و مخصوصاً به مجمع عمومی. سوم: یک موضوع مورد درخواست رأی مشورتی ممکن است به حفظ صلح و امنیت بین المللی مربوط باشد.

و نکته چهارم که بسیار هم اهمیت دارد اینکه سازمان ملل در قبال مسأله دیوار یک مسئولیت بین المللی دارد. یعنی نظام ملل متحد نمی تواند بی تفاوت باشد، این مسأله به هیچ وجه یک مسأله دوجانبه نیست بلکه مسأله ای است که صلح و امنیت بین المللی را دچار مخاطره کرده است. و مبنای مسئولیت یعنی عمل متخلفانه بین المللی را به نظام قیمومت (mandate) در جامعه ملل برمی گرداند.

۲- دیوان می گوید اختلاف بین اسرائیل و

فلسطین هر چند گسترده تر از مسأله ساخت دیوار است. اما این مانع از اعمال صلاحیت دیوان نیست، چرا که اولاً برای صدور نظر مشورتی رضایت کشورها لازم نیست ثانیاً در اکثر مواردی که از دیوان درخواست نظر شده است میان کشورها اختلاف وجود داشته است. در رابطه با این بند می توان چنین گفت که یک انقلاب بین المللی هم می تواند موضوع درخواست نظر مشورتی قرار بگیرد، هر چند که به این معنی نیست که نظر مشورتی بخواهد اختلافی را حل کند.

۳- دیوان در رأی خود اعلام می کند صدور نظریه مانع سیاسی برای مذاکره در مورد مخاصمه اسرائیل و فلسطین نیست. اسرائیل معتقد بود که عملکرد دیوان سد راه مذاکرات دو جانبه خواهد بود. دیوان تأکید کرد که نظریه دیوان مانع مذاکره نخواهد بود و دیوان فقط به مسأله ساخت دیوار می پردازد و به جنبه های دیگر موضوع کاری ندارد.

۴- نظریه مشورتی دیوان خود بیان می کند که نظریه مشورتی باید مستدل و مستند به گزارش جامع دبیر کل، بازدیدهای محلی گزارشگران ویژه سازمان ملل متحد، گزارش ارکان صلاحیت دار سازمان و نیز گزارش های کتبی تعداد زیادی از شرکت کنندگان در دادرسی حاضر باشد که متضمن اطلاعات مفیدی است. بنابراین دیوان مبنای رأی خود را این گزارشات می داند.

۵- اینکه اظهارنظری اصولاً مفید باشد یا مرجع درخواست نظر مشورتی به آن نیاز داشته باشد یا نداشته باشد به دیوان مربوط نیست و به خود آن مرجع مربوط است. همان قدر که درخواست، دارای عناصر حقوقی لازم باشد کافی است یعنی مرجع، صلاحیت درخواست داشته باشد و موضوع درخواست در چارچوب فعالیتهای آن باشد کفایت می کند. این نکته در پاسخ اسرائیل بیان شده است که بیان کرده بود، مجمع قبلاً بارها این نکته را گفته است، به خصوص در قطعنامه ۲۴ اکتبر این مسأله مطرح شده است، و چه فایده ای دارد که باز هم دیوان مداخله نماید. دیوان پاسخ می دهد که من مشاور هستم و از من نظر مشورتی خواسته شده است و من هم نظر خود را اعلام می کنم و کار ی ندارم که این نظر مفید هست یا خیر؟ مجمع عمومی از این نظر چه استفاده ای خواهد کرد؟ دیوان می گوید چون مجمع عمومی درخواست نظریه کرده است، و نه یک کشور یا یک موجودیت مشخص - مثلاً فلسطین - ، لذا دیوان کاری به ادعای اسرائیل در خصوص اقدامات خشونت بار فلسطینیان علیه اسرائیل ندارد. این هم در پاسخ به ایرادی است که اسرائیل در مقابل دیوان مطرح کرده بوده که دیوان باید از اظهار نظر خودداری نماید زیرا اسرائیل در مقابل اقدامات خشونت بار فلسطینی ها قرار گرفته است . دیوان اظهار می دارد من پاسخ

یک کشور را نمی‌دهم و کاری به ادعای اسرائیل نخواهم داشت.

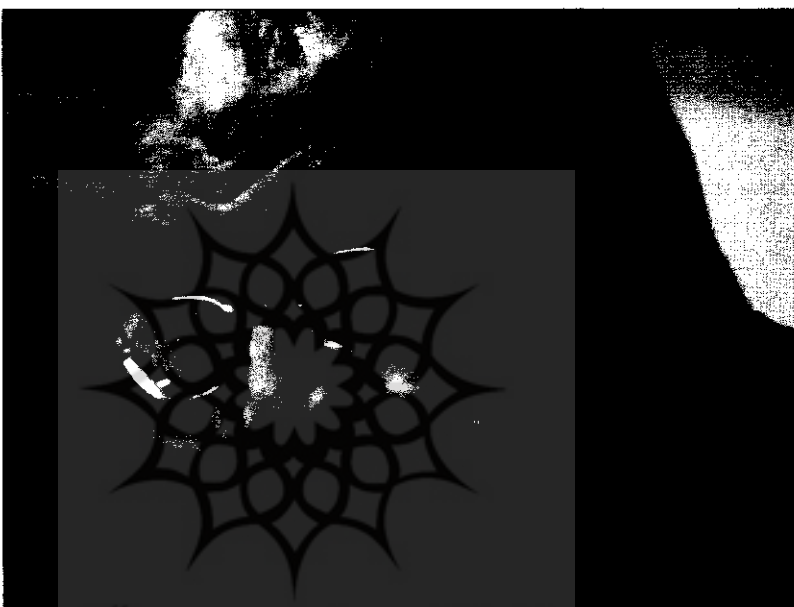
اسرائیل معتقد است که اعمال خشونت بار فلسطینیان به فلسطینیان اجازه نمی‌دهد تا از دیوان بخواهند تا وضعیت ناشی از اعمال نامشروع خود را تأیید کنند، اصل حسن نیت و اصل پاکدستی دلیل محکمی است که دیوان باید از صدور نظریه خودداری کند: اسرائیل می‌خواهد از اصل حسن نیت استفاده کند که وقتی کسی اقدام متخلفانه‌ای را انجام می‌دهد نمی‌تواند براساس آن اقدام متخلفانه رأی را درخواست نماید. که دیوان این ادعا را هم رد می‌کند و می‌گوید این ادعا به من ربطی ندارد و به نوعی به کشورها مربوط می‌شود و من وارد این بحث نمی‌شوم.

۶- دیوان می‌گوید اسرائیل از سال ۱۹۶۷ تا

است که نظام حقوقی اشغال را در بحث حقوق بشر دوستانه رعایت نماید. در اینجا جالب است که دیوان به رأی دادگاههای داخلی (رأی دیوان عالی اسرائیل) در جایی که در راستای حقوق بین‌الملل گام بر می‌دارند، توجه دارد و دقیقاً به یک رأی داخلی استناد می‌کند.

۷- بحث دیگر دیوان در این رأی مناسبات متقابل حقوق بشر و حقوق دوستانه است. به نظر دیوان بین حقوق بشر و حقوق بین‌الملل بشر دوستانه مناسبات متقابل وجود دارد. حمایت‌های اعلام شده در میثاق حقوق مدنی و سیاسی حتی در زمان جنگ قابل تعلیق نیست. به نظر دیوان در زمان جنگ سه مسئولیت قابل تصور است:

۱- برخی از حقوق، منحصرأ مربوط به حقوق بشر دوستانه است.



۲- بخشی از حقوق منحصرأ به حقوق بشر مربوط هستند.

۳- برخی از حقوق در آن واحد هم به حقوق بشر و هم به حقوق بشر دوستانه مربوط‌اند.

دیوان برای پاسخ باید هر دو حقوق را در نظر داشته باشد به نظر دیوان، اسرائیل با عمل خود در ساخت دیوار به حقوق فلسطین در جهت خود مختاری خدشه وارد کرده است. به نظر دیوان براساس حق ملت‌ها بر تعیین سرنوشت خود وجود یک ملت فلسطینی دیگر نمی‌تواند محل اختلاف باشد و این موضوع حتی از سوی اسرائیل نیز تحت همان عنوان حقوق مشروع ملت فلسطین به رسمیت شناخته شده است. به نظر دیوان اسرائیل با سیاست خود در رابطه با توسعه آبادی‌های یهودی‌نشین در سرزمین فلسطین اشغالی عملی خلاف بند ۶ ماده ۴۹ عهد نامه چهارم ژنو انجام داده است. به نظر دیوان ساخت دیوار خطر آن را دارد که در بافت جمعیت شناختی سرزمین فلسطین اشغالی تغییرات جدی بوجود

کنون در سرزمینهای اشغالی وضعیت دولت یا قدرت اشغالگر را دارد. پس باید به نظام حقوقی اشغال تمکین نماید. خیلی جالب است که دیوان ضمن اینکه بیان می‌دارد در نظریه مشورتی دولتها طرف من نیستند، اما به مجمع عمومی بیان می‌کند به نظر من اسرائیل بایستی به حقوق زمان اشغال تمکین نماید، اسرائیل قدرت اشغالگر است. درست است من حکم توافقی صادر نمی‌کنم. در ادامه دیوان بیان می‌کند، این تمکین مبتنی است بر عضویت اسرائیل در کنوانسیون چهارم ژنو مخصوصاً در بحث اشغال که آن را بدون حق شرط پذیرفته است و به دفعات اعلام کرده است که عملاً، به طور کلی مقررات حقوق بشر دوستانه را در سرزمینهای فلسطین اشغالی اجرا می‌کند. حتی دیوان علیه اسرائیل در تاریخ ۳۰ می ۲۰۰۴، اجرای این کنوانسیون را در سرزمینهای اشغالی تأیید کرده است. در اینجا ضمن اینکه دیوان اسرائیل را حداقل از سال ۱۹۶۷ به بعد به قدرت اشغالگر می‌داند، می‌گوید، دولت اشغالگر موظف

دیوان می‌گوید
اسرائیل از سال ۱۹۶۷
تا کنون به مناسبات
اشغالی و امنیت دولت
یا قدرت اشغالگر را
رعایت نمی‌کند به نظام
حقوقی اشغال تمکین
نماید.

ساخت دیوار اشغالی
به منظور انزوای یک
سرزمین است و این
عمل تخلف آشکار
از حقوق بین‌المللی
عرفی و معایر با حق
ممنوعیت تصاحب و
تملک سرزمین همراه با
توسل به زور است.

آورد. از جمله، عزیمت مردم فلسطین از برخی مناطق اشغالی به نظر دیوان ساخت دیوار موجب انهدام یا سلب مالکیت مالکان در سرزمینهای اشغالی شده است. به نظر دیوان ساخت دیوار موجب محرومیت‌های مهمی و در مواردی مانعی در آزادی رفت و آمد ساکنان سرزمینهای اشغالی شده است. به نظر دیوان ساخت دیوار تعداد قابل توجهی از فلسطینیان را از حق انتخاب آزاد محل اقامت محروم کرده و می‌کند. به نظر دیوان ساخت دیوار، اشخاص ذینفع را از حق بر سلامتی، حق بر آموزش و حق دارا بودن سطح زندگی مناسب و کافی محروم کرده است. به نظر دیوان اسرائیل باید آزادی حدود و اماکن مقدسی را که در نتیجه جنگ ۱۹۶۷ تحت کنترل خود در آورده تضمین کند.

۸- دیوان در بخش دیگری از نظر خود حقوق منحصامات مسلحانه را مطرح می‌کند و می‌گوید ساخت دیوار اقدامی به منظور انزوای یک سرزمین است. و این عمل تخلف آشکار از حقوق بین‌المللی عرفی و معایر با حق ممنوعیت تصاحب و تملک سرزمین همراه با توسل به زور است. ساخت دیوار در تأمین اهداف امنیتی و ضرورت‌های امنیت ملی و نظامی و نظم عمومی که اسرائیل مدعی آن است توجیه‌پذیر نمی‌باشد.

۹- دیوان در بحث دفاع مشروع که یکی از موارد ادعایی اسرائیل بوده است می‌گوید ساخت دیوار به منظور دفاع مشروع قابل توجیه نیست. بنابراین دفاع مشروع اولاً در مقابل تجاوز مسلحانه یک کشور علیه یک کشور دیگر به رسمیت شناخته شده و در این رابطه اسرائیل ادعا نکرده که خشونت‌هایی که او قربانی آن بوده است قابل انتساب به یک دولت خارجی بوده و همانطور که خود اذعان نموده تهدیدی که او برای توجیه ساخت دیوار مدعی آن است، ریشه‌اش در داخل این سرزمین اشغالی است نه خارج از آن بنابراین برخلاف استدلال اسرائیل، وضعیت متفاوت از قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ شورای امنیت است. اسرائیل با استناد به این قطعنامه‌ها که بعد از ۱۱ سپتامبر صادر شده بود و در مقدمه آنها مسأله دفاع مشروع مطرح شده بوده قصد داشت به دفاع مشروع متوسل شود که دیوان پاسخ رد به او داد. در نتیجه به نظر دیوان استناد به ماده ۵۱ منشور (در خصوص دفاع مشروع) در اینجا غیر معقول می‌باشد. به نظر دیوان اسرائیل هر چند حق بلکه تکلیف دارد که در قبال اعمال خشونت بار متعدد و مرگباری که علیه افراد غیر نظامی صورت می‌گیرد و نیز در جهت حمایت از جان شهروندان خود پاسخ گو باشد، اما اقدامات متخذه باید در چارچوب حقوق بین‌الملل قابل اجرا و مطابق با آن انجام گیرد. اسرائیل نمی‌تواند با استناد به حق دفاع مشروع یا حالت ضرورت عمل متخلفانه و



رای مشورتی دیوان
در مورد دیوار حائل

کشور دیدگاههای خود را به طور کتبی به دیوان اعلام کردند.

۲- این نظریه ثابت نمود که دیوان وظایف خود را در کمال بی طرفی انجام می دهد و فشارهای سیاسی بین المللی در تصمیم گیری آن جایگاهی ندارد.

۳- در اعمال صلاحیت مشورتی کمتر دیده شده است که دیوان مستقیماً به ادعاها و استدلالهای یک دولت پاسخ داده و آنها را یک به یک رد نماید.

۴- در جای جای نظریه دیوان مسئولیت بین المللی سازمان ملل متحد را در قبال ساخت دیوار و به طور کلی مسأله اسرائیل و فلسطین را یاد آور می شود و تعهدات بسیاری را بر آن سازمان نیز بار می کند.

۵- دیوان در این نظریه ادعای اهانت آمیز اسرائیل مبنی بر اینکه دیوان نباید بر اساس حدس و گمان وارد موضوع شود را رد می کند و باخیزستن داری خاصی مستدلاً و مستنداً به این ادعا پاسخ می دهد.

۶- دیوان اسرائیل را رسماً به عنوان دولت اشغالگر اعلام می کند.

۷- دیوان اجرای هر زمان و توأمان بسیاری از قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه را در سرزمینهای اشغالی یادآور می شود.

۸- دیوان ساخت دیوار را یک ضرورت ندانسته و حتی توجیه اسرائیل را مبنی بر اینکه ساخت دیوار به منظور دفاع شروع بوده مستدلاً و مستنداً رد کرده و محکوم می کند.

۹- دیوان نه تنها به کلیه آثار حقوقی ناشی از ساخت دیوار می پردازد، بلکه آثار حقوقی ناشی را تداوم اشغال سرزمین فلسطین را نیز تبیین می کند.

۱۰- دیوان مسئولیت بین المللی اسرائیل را طبق حقوق بین المللی محرز دانسته و پیامدهای ناشی از این مسئولیت را یک به یک بر می شمرد.

۱۱- دیوان سایر کشورها را نیز درگیر موضوع دانسته و از آنها می خواهد تا وضعیت نامشروع ساخت دیوار را به رسمیت نشناسند.

۱۲- دیوان حتی موجودیتی به نام ملت فلسطین را به رسمیت شناخته و او را نیز ملتزم به رعایت حقوق بشر دوستانه می داند.

۱۳- دیوان مجمع عمومی را متوجه ضرورت تشکیل دولت مستقل فلسطینی در کنار اسرائیل و سایر همسایه گانش می داند.

در مجموع دیوان با صدور این نظر سهم خود را به نحو شایسته ای در تحقق یک نظام بین المللی متحول و پیشرفته ادا نمود و نشان داد که به هیچ وجه دست نشانده دولتهای سیاسی بین المللی از جمله آمریکا و اسرائیل نمی باشد.

ساخت دیوار را به رسمیت نشناسند. کلیه کشورها متعهدند هیچ گونه معاضدتی در جهت حمایت و پشتیبانی از این وضعیت ایجاد شده به عمل نیاورند. کلیه کشورهای عضو عهدنامه چهارم ژنو متعهدند که ضمن رعایت منشور ملل متحد و حقوق بین الملل اطمینان حاصل کنند که اسرائیل حقوق بین الملل بشر دوستانه را مطابق مفاد آن عهد نامه اجرا کند.

۱۱- و بالاخره در ارتباط با تعهدات مشترک اسرائیل و فلسطین دیوان یادآور می شود که هم اسرائیل و هم فلسطین متعهد به رعایت حقوق بین الملل بشر دوستانه به طور دقیق و کامل هستند. دیوان متأسفانه ناظر بر تداوم اقدامات متخلفانه و نامشروع و اتخاذ تصمیمات یک جانبه از سوی طرفین است. دیوان معتقد است تنها با کاربرد حسن نیت در اجرای کلیه قطعنامه های مربوط به شورای امنیت است که می توان به این وضعیت اسف بار خاتمه داد.

نتیجه گیری

دیوان بین المللی دادگستری به عنوان رکن قضایی اصلی ملل متحد و در اعمال صلاحیت مشورتی خود، اگر نگوئیم مهمترین اما می توانیم با قاطعیت اذعان نمائیم که یکی از مهمترین نظرات مشورتی خود را صادر کرده است. در این نظریه نکات برجسته ای وجود دارد که فهرست وار و به طور خلاصه به آن اشاره می کنیم.

۱- در فرآیند اظهارنظر دیوان نزدیک به ۵۰

نامشروع ساخت دیوار را انجام دهد. بنا براین از نظر دیوان از آنجا که اسرائیل تعهدات بین المللی خود را در موارد متعددی نقض کرده و این نقض متضمن پیامدهایی بوده است، لذا مسئولیت بین المللی اسرائیل طبق حقوق بین المللی محرز است. از جمله این تعهدات، تعهد مربوط به حق خود مختاری مردم فلسطین می باشد و همچنین و تعهداتی که طبق حقوق بشر دوستانه و حقوق بین المللی مربوط به حقوق بشر به آن ملتزم است. اسرائیل باید به موارد نقض تعهدات بین المللی خود خاتمه دهد. اسرائیل باید ساخت دیوار را قطع کند و آنچه که ساخته تخریب نماید، و نیز مجموعه اقدامات تقنینی و نظام نامه ای مصوب خود را در این رابطه نسخ کند یا از اثر بپندارد. اسرائیل متعهد به جبران کلیه خسارات وارده تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی مربوط است.

۱۰- در رابطه با پیامدهای حقوقی که این رای در رابطه با سایر کشورها دارد، نیز دیوان اظهار نظر می کند. هر چند عمده خطاب رای دیوان نسبت به اسرائیل است، ولی در بخشی از این رای، دیوان، به تعهدات سایر کشورها نیز اشاره می کند: تعهدات بین المللی که اسرائیل نقض کرده به نظر دیوان تعهدات erga omnes یا عام الشمول بوده و چنین تعهداتی با توجه به ماهیتشان مربوط به کلیه کشورهاست. دیوان معتقد است که از حیث ماهیت و اهمیت حقوق و تعهدات مربوطه، کلیه کشورها، متعهدند وضعیت نامشروع ناشی از



مسئولیت بین المللی اسرائیل طبق حقوق بین المللی محرز است. از جمله این تعهدات، تعهد مربوط به حق خود مختاری مردم فلسطین می باشد و همچنین و تعهداتی که طبق حقوق بشر دوستانه و حقوق بین المللی مربوط به حقوق بشر به آن ملتزم است. اسرائیل باید به موارد نقض تعهدات بین المللی خود خاتمه دهد.

دیوان اسرائیل را رسماً به عنوان دولت اشغالگر اعلام می کند.

کواه